

گفت‌وگوی «جوان» با سمانه نیکدل نویسنده کتاب «نعمت جان»

«نعمت جان» روایتی زنانه، جذاب و پرکشش از ایثارگری بانوان است

در گذشته بیشتر کتاب‌ها جنگ را برای مخاطب در حد خط مقدم تعریف می‌کردند و معمولاً همه روایات مردانه بود، اما چند سالی است که زنانه‌نویسی وارد ادبیات دفاع مقدس ما شده و این روایت‌ها باعث تبیین جایگاه زن در بزنگاه‌های خاص تاریخی کشورمان شده است

سمانه نیکدل، نویسنده کتاب «نعمت جان» فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی رشته الهیات است و این اثر اولین کتابی است که به رشته تحریر در آورده و انتشارات راه‌یار آن را منتشر کرده است. این کتاب روایت یک بانوی ایثارگر است که از ابتدای پیروزی انقلاب تا بعد از اتمام جنگ تحمیلی سال‌های زیادی در ارگان‌ها و نهادهای انقلابی از نهضت سوادآموزی و جهادسازندگی تا کمیته امداد و سپاه مشغول خدمت‌رسانی بوده است. «جوان» در گفت‌وگو با این نویسنده جایگاه و نقش روایت زنانه از انقلاب و دفاع مقدس و چرایی لزوم تبیین اقدامات ایثارگرانه و جهادی اینگونه افراد را به منظور تقویت روحیه ایثارگری و خدمت در بین افراد جامعه پرداخته است. ■■■

تألیف بسیاری از کتاب‌های اخیر که در حوزه خاطره نگاری و تاریخ شفاهی تهیه می‌شوند از سوی بخش و نهادهای فعال در این حوزه به نویسنده‌ها پیشنهاد می‌شوند، نوشتن نعمت جان به شما پیشنهاد شد یا طرح خودتان بود؛ ضمن اینکه بفرمایید تدوین و تألیف این اثر چقدر طول کشید؟

طرح نوشتن کتاب نعمت جان پیشنهاد خودم و آقای مهدی نژاد(مسئول مجتمع فرهنگی- پژوهشی شهیدجواد زبوداری) بود. از سال ۹۳ با اسم و بخشی از فعالیت‌های کلی خانم بستاک در کنگره بزرگداشت یکپزار شهید شهرستان اندیمشک آشنا شده بودم و از اواخر همان سال در مجتمع پژوهشی شهید زبوداری کار پژوهشی در رابطه با تاریخ شفاهی شهرستان اندیمشک را شروع کردم که در همان ایام اسم خانم بستاک را زیاد می‌شنیدیم، اما از یکسو به دلیل حجم بالای سوره‌هایی که در باره آنها مشغول پژوهش بودیم و از سوی دیگر چون خانم بستاک در اندیمشک ساکن نبود، باعث شد کمی دیرتر به سراغ ایشان برویم. تقریباً بهمن ماه سال ۹۴ بود که با خانم بستاک تماس گرفتیم و قرار گذاشتیم زمانی که برای مراسم چهلم برادر شوهرشان که بر اثر صدمات جانبازی به شهادت رسیده بودند، به اهواز می‌آیند با ایشان در اندیمشک دیدار کنیم. طی یک پیش‌مصاحبه اولیه جمع‌بندی مان از فعالیت‌های خانم بستاک این بود که به دلیل تکم فعالیت‌های ایشان از جمله حضور به نهضت سوادآموزی، جهادسازندگی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفین، سپاه، پرستاری بیمارستان شهید کلاتری در دوران انقلاب و دفاع مقدس خاطرات‌شان ظرفیت تبدیل شدن به کتاب را دارد. بعد از این ماجرا با آقای مهدی نژاد مسئله را مطرح کردیم و کار گرفتن مصاحبه‌ها شروع شد. این اقدام از بهمن ۹۴ شروع شد و تا خرداد ۹۵ توانستیم حجم قابل‌قبولی از مصاحبه‌ها را ضبط کنیم. البته یک فاصله زمانی به دلیل وضعیت جسمانی همسر خانم بستاک و سختی آمد و رفت از تهران به اندیمشک برای ایشان در حین کار اتفاق افتاد و منجر به این شد تا من در بهار سال ۹۶ برای تکمیل مصاحبه‌ها مدت‌ای را در منزل آنها مهمان باشم و نهایتاً توانستم کار را که بیش از ۷۰ ساعت بود، به انتها برسانم. تدوین، پیاده‌سازی و ارزیابی نهایی مصاحبه‌ها از مهرماه ۹۷ شروع شد و کار را در اسفندماه ۹۸ به مجموعه تحویل دادم. البته همه این مدت مشغول تدوین کتاب نعمت جان نبودم، بلکه در همان حین چندین پروژه تحقیقی دیگر را هم پیگیری می‌کردم.

علت تأخیر یکساله از تحویل کار در اسفند سال گذشته تا مراسم رونمایی کتاب که در هفتم اسفندماه سال جاری انجام شد، چه بود؟

قرار بود کتاب را در ایام هفته دفاع مقدس چاپ کنیم، اما یک مقداری بحث ویراستاری و صفحه‌آرایی و طراحی جلد آن به دلیل ایجاد محدودیت‌هایی که به خاطر شیوع ویروس کرونا اعمال شد، زمان برد.

سبک روایی کتاب نعمت جان چگونه است؟
کتاب به روایت اول شخص یا همان راوی محور روایت نویسنده هیچ حضور ملموسی در آن ندارد؟



اتفاقات و تجربیاتی از سوی یک زن وجود دارند که باید افکار عمومی و تاریخ آنها را بدانند تا همگان بدانند که برای ادامه‌دار بودن حرکت قطار انقلاب و دستیابی به دشمنان کشورمان است، چه ایثارگری‌ها و فداکاری‌هایی از سوی مردان و زنان در جاهای مختلف انجام شده تا به شرایط پایدار و اقتدار چشمگیر دست پیدا کنیم

نه‌اصلاً چرا؟

واقعیت این است که ظرفیت راوی آنقدر بالا بود که نیازی نبود من به‌عنوان نویسنده به مطلب ورود کنم و چیزی اضافه کنم. هم محتوا غنی بود، هم خاطرات گسترده بود و هم تنوع شغل‌هایی که راوی در آنها مشغول خدمت‌رسانی بوده آنقدر متکثر بود که اساساً لزومی نمی‌دیدم که به عنوان نویسنده کار ردیابی در اثر داشته باشم.

خاطرات راوی چه بازه زمانی را دربرمی‌گیرد، آیا صرفاً مختص به ایام هشت ساله دفاع مقدس است؟

ما در دل بیان خاطرات خانم بستاک یک اشارات و رفت و برگشت‌هایی هم به دوران کودکی ایشان داریم، اما تنه اصلی کتاب مشتمل بر فعالیت‌های راوی از سال ۵۷ شروع می‌شود و تا سال ۷۰ ادامه دارد.

با توجه به بازگو کردن خاطرات بازه ۲۰ ساله روای، گمان می‌کنید انرژی مباحث و کشش و گیرایی اتفاقات آنقدری است که اصطلاحاً بدون افتادن ریتم مخاطب را با خود همراه کند؟

معرفی کتاب

نگاهی به رمان لاچگری نوشته رضا استادی

روایت مجرمان اقتصادی از تهران تا آنکارا در ۴۸ ساعت

لاچگری پس از کتاب‌های هیچ وقت نامزد نبودیم، بدون تو غیرممکن بود، خونه خالی و حمام تر کی پنجمین اثر داستانی رضا استادی است که به بازار نشر عرضه شده است. حاصل دو دهه فعالیت این نویسنده و روزنامه‌نگار در حوزه ادبیات داستانی صرفاً همین پنج کتاب است؛ یعنی به طور متوسط هر پنج سال یک کتاب. مشاهده کتاب‌ها نیز حاکی از این است که استادی زمان زیادی را صرف نگارش آثارش می‌کند. مشخصاً کتاب لاچگری در فاصله زمانی اسفند ۹۴ تا بهمن ۹۸ نوشته شده که این مسئله حاکی از عدم تمایل نویسنده به تولید داستان به شیوه «سری دوزی» است. کتاب‌های استادی حداقل میان فضای عامه‌پسند و داستان‌های جدی را پر می‌کنند. برای مخاطب دوستدار

فرهنگی



شناسایی این بانوان از جمله ثمرات تحقیق و پژوهش‌هایی است که در جریان هستند و قطعاً تألیف آثار متنوعی در این عرصه به تبیین روایت زنانه از پایداری، مقاومت و ایثارگری کمک زیادی می‌کند

یا گارد گرفتن خواننده نسبت به این اتفاق نگردد؟

سیر روایت منطقی این اتفاق مخاطب را با خود همراه می‌کند. خانم بستاک برای رسیدن به یک چنین هدفی به معنای واقعی کلمه جنگیده است؛ چون پدر، مادر، هشت برادر و دو خواهرش همه مخالف ازدواجش با یک جانباز بودند. وقتی در بخش هشتم کتاب می‌خوانیم که راوی برای رسیدن به این هدفش چطور جنگیده و نوع مخالفت همه افراد خانواده (به دلیل نگرانی و از سر دلسوزی پدر و مادر برای فرزند و دیگر بچه‌ها برای آینده خواهرشان) در چه سطحی بوده متوجه جوه غیرشعاری و عدم تصمیم‌گیری در فضای غیرعقلانی و به قول شما بدون جوگیر شدن می‌شویم. در شهرستان اندیمشک به غیر از خانم بستاک چندین نمونه دیگر داشتیم که با جانبازان قطع نخاعی ازدواج کرده‌اند. البته این را می‌پذیرم که ازدواج با یک جانباز قطع نخاعی عرف جامعه نبوده است و همین الان جانبازان قطع نخاعی زیادی داریم که به دلیل شرایط خاصشان ازدواج نکرده‌اند.

معتقدید مخاطب به این باور پذیری می‌رسد که ایثارگری اشکال متنوعی دارد و ازدواج افرادی مثل راوی کتاب با جانباز قطع نخاعی نوعی تجسم یافته و متعین از فداکاری و گذشت است؟

به نظر من به‌عنوان اولین مخاطب اثر، با در نظر گرفتن شرایط و نوع نگاه خانم بستاک متأثر از فضایی که در آن خدمت‌رسانی می‌کرده مخاطب به تصمیم عقلانی و به دور از نگاه مقطعی و احساسی وی می‌رسد، کم‌ابنکه ایشان سال‌های بسیار زیادی است با خرسندی و خوشبختی در حال زندگی کنار یک جانباز قطع نخاعی



مباحث مطرح شده در کتاب یکطرف قضیه است و یکطرف دیگر ادراک وجدان خود مخاطب است که با خودش بگوید آیا آنچه در این کتاب گفته شده واقعیت است یا شعاراً؟

است؛ با همان انرژی و ایمانی که در ابتدا داشتند. ایشان در سن ۳۰ سالگی ازدواج کرده و بعد از گذشت ۳۲ سال از ازدواجش نشان می‌دهد که این خانم با جودذگی و بر اثر احساسات اقدام نکرده است. برای خود من این کار خانم بستاک باورپذیر شده بود و زمانی که با وی صحبت می‌کردم و از من پرسید آیا حضری در یک شرایط مشابه اقدامی مشابه من انجام بدهی، به دلیل لمس بی واسطه حقایق و واقعیات زندگی ایشان پاسخ دادم، بله، من هم می‌پذیرم. چسبون منطق و نوع نگاه و راه خوبی ادراک کرده بودم. البته مباحث مطرح شده در کتاب یکطرف قضیه است و یکطرف دیگر ادراک و وجدان خود مخاطب است که با خودش بگوید آیا آنچه در این کتاب گفته شده واقعیت است یا شعاراً! من همه تلاشم را کرده‌ام تا نشان بدهم که خانم بستاک چگونه با منطق و استدلال به دنبال محقق کردن این هدفش حرکت و تلاش کرده است.

زنانه‌نویسی و تمرکز روی خاطرات زنان ایثارگر از راهکارهایی است که منجر به



در پشت جبهه‌ها و شهرها توسط اقشار دیگر جامعه در جریان بود و معمولاً همه روایات مردانه بود. آرام به سمت نقش زنان و دیگر حوزه‌های درگیر با جنگ حرکت شد، اما اینکه چرا اینقدر برب به این سمت حرکت شد، برای خود من سؤال است. البته شاید یکی از دلایل مهم این عدم توجه اتفاقات متنوع و بسیار زیادی باشد که خط مقدم جبهه‌ها رخ داده است. شاید به همین علت است که خوزستان را بیشتر به دلیل مناطق عملیاتی‌اش می‌شناختند تا بحث پشتیبانی از رزمندگان و جبهه‌ها که توسط اقشار مختلف جامعه و به‌خصوص بانوان در شهرهایی مثل اندیمشک و ذوقول انجام می‌گرفت. چرخش به سمت پشتیبانی جنگ باعث شد ما زنان بسیار زیادی را در شهر اندیمشک شناسایی کنیم. یکی از آنها می‌شود همین خانم صغری بستاک یا خاطرات زنان رخت‌شوی اندیمشک که قرار است به زودی در قالب کتابی به اسم «حوض خون» منتشر شود یا کتابی به اسم «پلاکت کو»؛ که آن هم دربربرنده خاطرات یک بانوی جهادگر است. شناسایی این بانوان از جمله ثمرات تحقیق و پژوهش‌هایی است که در جریان هستند و قطعاً تألیف آثار متنوعی در این عرصه به تبیین روایت زنانه از پایداری، مقاومت و ایثارگری کمک زیادی می‌کند.

چه هدفگذاری برای مخاطبان و خوانندگان «نعمت جان» انجام داده‌اید؟

در سری که با مطالعه کتاب «نعمت جان» حاصل می‌شود درس ایثار و گذشت و نیز بر کارگری، بر تلاشی و خستگی‌ناپذیری یک زن و بانوی انقلابی و مسلمان در مسیری سخت و بسیار مشکل‌است که در کنار همه این مصائب حجاب و پوشش اسلامی‌اش را رعایت کرده و این امرعات پوشش هرگز باعث کنندی و دست و پاگیر شدن وی نشده است. کتاب را تقدیم می‌کنم به شهیدجواد زبوداری که مؤسس بنیاد مستضعفین در شهر اندیمشک بود و خانم بستاک که اولین نیروی خانم این شهید در بنیاد بوده‌اند و امیدوارم در آستانه سالگرد شهادتشان که روز دوازدهم اسفندماه بود این اثر اثر ما ما بپذیرند.

هولناک از اقتصاد مواجا می‌گردد. اقتصادی که در آن موفقیت و پیشرفت نه براساس توانایی و دانش، بلکه بر پایه زد و بندهایی شکل می‌گیرد که صرفاً افراد محدودی می‌توانند به آن نفوذ کنند و عملاً در تار و پود این تلاش‌های به ظاهر سالم، اما در اصل ناسالم، انسان‌های شریف متعددی از بین می‌روند.

نویسنده کتاب کل داستان خود را در دو روز روایت می‌کند. این دو روز به نوعی چکیده زندگی این زوج جوان است. داستان بر زندگی این دو شخصیت استوار است و البته چند شخصیت فرعی نیز در کنار آنها حضور دارند که مکمل شخصیت‌های اصلی هستند و به خوبی در تار و پود قصه تنیده شده‌اند. استادی که تجربه فعالیت در حوزه نقد

آثار عامه‌پسند کتاب‌های این نویسنده جذاب و نفس‌گیر است و برای مخاطب آثار جدی نیز لایه‌هایی پنهان و کشف نشده است. لاچگری که به تازگی منتشر شده، در ظاهر ماجرا اقصه زن و شوهر جوانی است که به طبقه مرفه و ثروتمند جامعه تعلق دارند. مزدک و مهفام زن و شوهری جذاب و دوست‌داشتنی هستند که البته ثروت و موقعیت ممتاز اقتصادی آنها نه از ارث پدری ناشی شده است و نه بلیت بخت‌آزمایی برده‌اند. آنها تمامی ثروت خود را از راه مشروع و قانونی با فعالیت در شرکت‌های اقتصادی به دست آورده‌اند. هر دو تحصیلکرده هستند، زبان می‌دانند و به سختی کار می‌کنند، اما وقتی مخاطب با این شخصیت‌ها همراه شده و وارد فضای کاری آنها می‌شود، با لایه‌ای

و روزنامه‌نگاری سینمایی را دارد. این ۴۸ ساعت از زندگی زوج جوان را ساعت به ساعت روایت می‌کند؛ روایتی که بیشتر پهلو به پهلو ی فیلم‌های سینمایی می‌زند. البته در این ۴۸ ساعت نفسگیر خبری از ملال و زندگی روزمره و عادی نیست و حتی در ساعت‌های پایانی روز هم قصه جریان دارد و بین تهران و آنکارا در رفت و آمد است و در هر سطر، پارزی از زندگی این زوج تکمیل می‌شود تا اینکه در نهایت در تصویری بزرگ و به اصطلاح بیگ پیچر، نمایشی هولناک از سقوط اخلاقی این زوج جوان را که در دام مفسدین اقتصادی افتاده‌اند، به نمایش می‌گذارد. این رمان از سوی نشر سخن به بازار عرضه شده است.